**افق نگاه رسول خدا«صلوات‌الله‌علیه‌وآله» به عنوان «بیّنه»**

1- راستی حضرت محمد«صلوات‌الله‌علیه‌وآله» به عنوان نماد جدایی حق از باطل، یعنی به عنوان «بیّنه» چشم به کجا دوخته بودند؟ که قرآن در وصف آن حضرت می‌فرماید: «رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً \* فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ»(بیّنه/آیات 2و3) مرادِ رسول خدا«صلوات‌الله‌علیه‌وآله» چه بود که با مردمان موضوع عبودیت و اقامه صلاۀ و ایتاء زکات را در میان گذارند آن جایی که قرآن می‌فرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلاّ لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ»(بیّنه/5) آیا این بهترین به خودآمدن نیست که هرکس باید به آن اندیشه کند؟ آیا شیوه زیست رسول خدا«صلوات‌الله‌علیه‌وآله» را می‌توان برای یافت؟ و جهان توحید را درک کرد؟

**در موضوع اقامه صلاۀ**

2- برای شکست‌دادن جهان سکولار باید خود را به کرانه‌های بسته محدود نکرد و بدون گسستن از زندگی، ترسو و بُزدل نبود و مسئولیت حضور در تاریخی دیگر را پذیرفت و حتی اموری را در این رابطه بر عهده گرفت تا مرز بین دروغ و راستی معلوم شود. این است معنای دینداری حقیقی و معنایی که به کمک اقامه صلات به سراغ انسان می‌آید، «عبدُهُ وَ رَسولُه». آیا در هر نماز این نگاه به حضرت بازخوانی می‌شود؟ و عزمی که باید به عنوان ایمان دنبال شود؟

**عزم ایمانی**

3- در آینه باریکه غزه، انسان‌ها و نقش صبر و ایمان آن‌ها دیده شد و این است راز پیروزی غزه، زیرا ما با انسان‌هایی صاحب عزم و تصمیم روبه‌رو شدیم، انسان‌هایی که راز خون را فهمیدند، امری که عقلِ کوتاه استکبار از آن محروم بود. ولی رسول خدا«صلوات‌الله‌علیه‌وآله» با شخصیت خود متذکر آن برای همگان بودند.

**بی‌آیندگیِ اسرائیل**

4- آینده‌ای که بشریت به دنبال آن است، آینده‌ای نیست که فرهنگ استکباری مقابل بشر قرار داده، بلکه آینده‌ای است که انسان‌ها، بودنِ خود را به معنای حقیقی آن می‌فهمند.

5- صبر الهی و امید، همراه با ایمان که همان توحید حقیقی است؛ رازِ پیروزی مردم غزه شد. امری که با امیدهای مادی هرگز حاصل نمی‌شود.